



## احیاء معنویت دینی در تقابل با معنویت سکولار در نظام تربیتی-معرفتی اسلامی

خزران رضوانی<sup>۱</sup>

### چکیده

انسان با توجه به ساحت دوبعدی خود نیاز به معنویت دارد. پس از گذر از دوره‌ی مادی‌گرایی و ناتوانی مسیحیت در پاسخگویی به آن، این نیاز بشری در میان عرفان‌های نوظهوری که غرب ساخته بود ظهور نمود؛ اما این فرقه‌ها نیز نتوانست پاسخگوی دائمی این نیاز انسان باشد. آسیب‌های این‌گونه عرفان‌های نوظهور در تفکر اسلامی نیز راه یافت. این درحالی است که عرفان اسلامی که هم به لحاظ مبانی و هم به لحاظ پیامدها تحت تاثیر عناصر تربیت اسلامی است، منبعی بسیار غنی است که با تقویت و احیاء آن می‌توان از این آسیب‌ها مصون ماند. به نظر می‌رسد مهم‌ترین راه‌حل، احیاء معنویت دینی اسلامی مبتنی بر تربیت اسلامی است که باید در قالب راهکارهایی ملموس و عینی به جهان معرفی گردد. در این پژوهش برخی از این راهکارها که مبتنی بر تربیت اسلامی است پیشنهاد شده است که عبارتند از: پایبندی به شریعت اسلامی، معرفی الگوهای دینی، روشنگری پیرامون فرقه‌های انحرافی، تقویت بعد اجتماعی دینی، تثبیت هویت معنوی از منظر اسلام، هدایت بعد احساسی بشر در مسیر صحیح خود. هدف این تحقیق روشنگری پیرامون آسیب‌های معنویت سکولار و ارائه راهکارهایی در راستای تربیت اسلامی برای مقابله با این معنویت‌ها، در حد توان نگارنده می‌باشد. روش این تحقیق تحلیلی و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** معنویت، معنویت دینی، معنویت سکولار، عرفان‌های نو ظهور،

تربیت اسلامی.

## ۱- مقدمه

موضوع پژوهش حاضر احیاء معنویت دینی در تقابل با معنویت سکولار در نظام تربیتی-معرفتی اسلامی است. دنیای امروز، دنیای گرایش به مادیات است. به تعبیر علامه متفکر آیت‌الله سید محمدباقر صدر، علل افت فرهنگ غرب، جدایی و بریدگی زمین از آسمان است. به دنبال این بریدگی احساس بی‌نیازی از دین در آن‌ها پدید آمد. این احساس استغناء به انضمام د عامل رفتار اربابان کلیسا و پیدایش نظریات تفکر مادی و زمینی در بین متفکران غرب تشدید شد. توجه یک‌سویه جامعه صنعتی غرب به پیشرفت‌های مادی و بیرون راندن دین و اخلاق از عرصه جامعه، زیان‌های بسیاری را پدید آورد و خلأ معنوی بزرگی را ایجاد کرد. از این‌رو سلطه گران تصمیم گرفتند برای تقویت خود از معنویت بهره ببرند. از همین رو به فکر طراحی جریان‌ها و فرقه‌های معنویت‌گرایی افتادند که در گستره‌ای وسیع و تنوعی جذاب، مردم را برای مدت زیادی سرگرم سازد. از آنجا که کشورهای جهان سوم عموماً مستعمره فرهنگی غرب هستند و افکار و فرهنگ آن‌ها وارد این کشورها می‌شود، لذا جهان اسلام نیز به خاطر کوتاهی زمامداران دینی و فرهنگی از آسیب این فرقه‌ها در امان نمانده است و عواقب و پیامدهای آن معنویت‌های نوظهور بر جامعه اسلامی بار شد. متروک ماندن معنویت دینی که هماهنگ با فطرت انسان و قوانین تکوینی است بر این مسئله دامن زده است درحالی‌که می‌تواند جایگزین جامع و کارآمدی باشد. توجه به معنویت دینی و تسری آن به همه ابعاد زندگی بشر از جمله ارکان نظام تربیتی اسلامی است که با احیاء آن می‌توان به مشکلات ناشی از معنویت‌های نوظهور فائق آمد. البته نکته حائز اهمیت این است که معنویت دینی زمانی که در راستای تربیت اسلامی باشد می‌تواند پاسخگوی حقیقی نیاز انسان به این مقوله باشد و این مستلزم شناخت و تقویت آن است. که به این نکته تاکنون اشاره نشده است و در اینجا سعی شده است به این مسئله بپردازد که عرفان اسلامی همسو با تربیت اسلامی است.



حل مشکل دین‌گریزی جامعه و رفع جذابیت دروغین معنویت‌های سکولار و ارائه راه-حل صحیح برای پر کردن خلأهای معنوی افراد جامعه از جمله ضرورت‌های پرداختن به این موضوع است. در این تحقیق ابتدا به آسیبهای ناشی از معنویت سکولار پرداخته و در ادامه به شاخص‌های معنویت دینی و در پایان نیز راهکارهایی برای مقابله با این معنویت‌های نوظهور ارائه می‌شود.

## ۲- معنویت

دین و دینداری از مهم‌ترین ابعاد وجود آدمی سرچشمه می‌گیرد. امروزه بیشتر قریب به اتفاق افراد بشر رفتار دینی دارند. تمام ادیان، اعم از الهی و یا بشری، کم و بیش برنامه‌های معنوی ارائه کرده‌اند. هر چند برخی معنویت بدن دین را نیز طرح کرده‌اند. راجر الکس می‌گوید: ریشه معنویت در آگاهی خاصی قرار دارد که برای فرد حاصل می‌شود. معنویت ضرورتاً پدیده‌ای دینی نیست، بلکه در توان ویژه انسان قرار دارد که می‌تواند با ارتباط با جهان به نحو خاص از آن آگاهی یابد. این نوع آگاهی نسبت به امر دیگر، با نظم و قاعده خاصی پدید نمی‌آید. این آگاهی به دریافت‌کننده، احساسی از آشکارسازی دست می‌دهد. نگاه عمیق به آنچه برای او آشکار گشته، برای بسیاری از دریافت‌کنندگان چنان تجربه‌ای روشن پدید می‌آورد که می‌توانند آن را وحی‌گونه توصیف کنند. بنابراین، معنویت د گونه دینی و غیر دینی دارد. طبق بیان دیوید ولف آنچه در معنویت جدید به روشنی تازگی دارد آن است که جدای از روان و خارج از خود، اغلب امر متعالی وجود ندارد. دیگر زندگی معنوی فرد در سایه روح‌القدس یا یک قدرت الهی دیگر نظام نمی‌یابد، بلکه معنویت در سایه توانایی‌ها و امکانات بالقوه خود روان آدمی شکل می‌گیرد. در یک تقسیم بندی می‌توان معنویت را به معنویت دینی و معنویت سکولار تقسیم کرد.

### ۲-۱- معنویت سکولار

به هر نوع عرفانی که به آموزه‌های دینی بی‌اعتنا باشد و غایت و

هدف سلوک را درجایی که چیزی غیر از خدا است، جستجو نماید و انسان را فقط محدود به زندگی دنیایی کند، «عرفان سکولار» می‌گوییم. هم‌چنین عرفان‌هایی که چیزی غیر از خدا را به‌عنوان هدف خود قرار می‌دهند، هرچند که آن چیز، امری ماورائی باشد و یا با ابزاری غیر از دین و شریعت درصدد وصول به هدف نهایی خود باشند نیز، «عرفان سکولار» گفته می‌شود.

## ۲-۱-۱- آسیب‌های معنویت سکولار

از آنجا که اصول عرفان‌های سکولار، بر اساس ماهیت سکولاریته آن بدون صبغه تربیت دینی تنظیم شده است، طبیعتاً تربیت دینی را نه با توجه به مبانی و نه با توجه به پیامدها، باز نمی‌نمایاند. بنابراین گرفتار آسیب‌های متعددی که به برخی از آن‌ها به‌اختصار اشاره می‌شود:

### الف) ناتوانی از رسیدن به مقصد

گرچه معنویت‌های سکولار تا حدودی تأمین‌کننده آرامش مقطعی در دنیای مدرن است؛ لکن خشنودی مستمر دنیوی به همراه سعادت اخروی تنها از طریق معنویت دینی و وحیانی میسر است؛ زیرا کشف راه‌های رسیدن به مقامات عرفانی برای انسان‌های متعارف، شدنی و ممکن نیست. خداوند راه هدایت و فرقان را به انسان‌ها معرفی می‌کند، تقوا تنها مسیری است که انسان را به سلوک و کشف حقیقت نائل می‌گرداند. ایمان به خدا و عمل به آموزه‌های دینی که تربیت اسلامی زمینه ساز آن است راه رسیدن به تقوا می‌باشد. پس نمی‌توان به توصیه‌ها و روش‌های معنوی عرفان‌های سکولار و غیردینی اعتماد کرد و آرامش واقعی و مستمر همراه باسعادت اخروی را تحصیل کرد.

### ب) اثبات‌ناپذیری مدعیات عرفان‌های سکولار

اصول و مدعیات عرفان‌های سکولار و غیر الهی با هیچ روش معرفتی اعم از عقلی و تجربی و دینی اثبات پذیر نیستند؛ برای نمونه: وقتی فرقه یوگا ادعا می‌کند که انسان، هفت کالبد دارد و مراکز



انرژی بدن، هفت چاکرا است و انسان دارای نادی‌های بی‌شماری یا سه نادی اصلی است؛ صرفاً مدعیات بی‌دلیلی را مطرح می‌کند که نه با شیوه منطقی اثبات می‌شوند و نه با روش تجربی، می‌توان مهر صحت بر آن نهاد و نه وحی آسمانی بر تأیید آن نازل شده است.

### ج) تناقض تکنیک‌ها

تکنیک‌ها و تمرین‌های جریان‌های معنویت‌گرای غیر الهی به جهت تناقض‌ها و تهافت هایشان، غیرقابل‌اعتمادند. برخی از آن‌ها بر سکوت و دسته‌ای بر تکلم، عده‌ای بر ریاضت‌های دشوار و پاره‌ای بر پرخوری و بهره بردن از لذات دنیوی توصیه می‌کنند و هر یک از این توصیه‌های متضاد را روش‌های سلوک و معنویت می‌دانند! انسانی که تربیت دینی و اسلامی نیافته، می‌خواهد در مسیر سلوک قرار گیرد و به معنویت برسد نمی‌داند از چه مسیری باید برود، وقتی با تمرین‌ها و تکنیک‌ها گوناگون و متضاد مدعیان عرفان و تصوف، برخورد می‌کند، گرفتار سردرگمی و دچار حیرت می‌شود. این توجیه که افراد مختلف با استعدادهای گوناگون به روش‌های متفاوتی نیاز دارند، زمانی صحیح است که روش‌ها اولاً متضاد نباشند ثانیاً برگرفته از انسان‌شناسی جامعی باشد که بدن وحی حاصل شدنی نیست؛ بنابراین، آیین‌های غیر وحیانی از عرصه سلوک معنوی به انسان‌ها ناتوان هستند.

### د) دنیاگرایی محض

به فرض، پاره‌ای از فواید جسمانی، عصبی و روانی بر جریان‌های مدعی معنویت مترتب شود یا در درمان برخی مشکلات روانی مانند افسردگی و کاهش دردها مؤثر باشند، ولی آیا این مقدار کارکرد یوگا، اکتکار یا فرقه‌های دیگر که از هر چیز دیگری حتی از طریق مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی یا گوش دادن به موسیقی ممکن است، همان عرفانی است که سلوک الی الله و قرب الهی را به ارمغان می‌آورد؟!

عرفان اصیل اسلامی، تأمین‌کننده آرامش و کاهنده دردهای روانی و موجب تجرد روحانی نیز هست، ولی هدف اصلی آن، ساختن دنیایی

است که منشأ آبادانی آخرت و کمال انسانی باشد. به عبارت دیگر، در تربیت دینی انسان‌ها به گونه‌ای تربیت می‌شوند که جهان مادی را وسیله‌ای برای رسیدن به سعادت حقیقی می‌دانند. هستی‌شناسی اسلام و شرایع آسمانی، معتقد به جهان وسیع‌تری از ماده است و بر این اساس، هدفی گسترده‌تر از آرامش دنیوی را دنبال می‌کند.

### ه) تعارض با اسلام

کسی که به دین اسلام اعتقاد داشته باشد و جامعیت آن را بپذیرد؛ بی‌شک می‌بایست پذیرای معنویت اسلامی نیز باشد و سلوک معنوی خویش را از وحی الهی و آموزه‌های دینی دریافت کند. پذیرش اسلام و معنویت سکولار، پارادکس و تناقضی زائل‌نشده است؛ علاوه بر این که عمده معنویت‌های سکولار، جهان‌بینی دارند که با جهان‌بینی اسلامی در چالش است؛ برای نمونه معنویت‌های سکولار یا منکر خدایند و یا خدایشان باخدای در اسلام تفاوت اساسی دارد. معنویت‌های سکولار به تناسخ و برگشت روح انسان مرده در بدن جدید اعتقاد دارند که با معاد و نظریه اسلامی حیات پس از مرگ ناسازگار است. خداوند سبحان در آیه شریفه می‌فرماید: «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلُوبًا أَمْ لَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ»؛ «خدا جان‌ها را به هنگام مردشان می‌گیرد و نیز جان کسانی را که در خواب خود نمرده‌اند. جان‌هایی را که حکم مرگ بر آن‌ها رانده شده ننگه می‌دارد و دیگران را تا زمانی که معین است باز می‌فرستد. در این عبرت‌هاست برای آن‌هایی که می‌اندیشند.»

### و) اصالت نداشتن عرفان‌های سکولار

عرفان‌های سکولار، معجونی از ادیان و مکاتب و علوم مختلف است؛ هیچ‌یک از این مکاتب، اصالت نداشته و با بهره‌گیری از ادیان و علوم مختلف به‌ویژه روان‌شناسی به‌دست آمده‌اند؛ مانند: آموزه‌های رام الله یا کریشنا مورتی و سای بابا که ترکیبی از اسلام و روان‌شناسی و ادیان هندی‌اند. یکی از قرائنی که بی‌اصالتی این فرقه‌ها را نشان می‌دهد، بهره‌گیری آن‌ها به‌ویژه عرفان سرخ‌پوستی از ابزارهای مانند



سحر و جاد و مصرف گیاهان و داروهای توهم زا و مواد مخدر است. آیا با این‌گونه توصیه‌ها و مصرف مواد مخدر و الکلی می‌خواهند به کشف حقیقت برسند؟! این سلوک نه‌تنها کشف الهی نیست که حتی کشف مثالی شیطانی هم نیست؛ درحالی‌که قرآن با روش‌های شریعت محور می‌خواهد انسان را به کشف حقیقی برساند؛ به مقامی برسد که درک کند که همه موجودات تسبیح‌گوی الهی هستند. به تعبیر قرآن: «تَسْبِیحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِیحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِیحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا»؛ «هفت آسمان و زمین و هر چه در آن‌هاست تسبیحش می‌کنند و هیچ موجودی نیست جز آن‌که او را به پاکی می‌ستاید، ولی شما ذکر تسبیحشان را نمی‌فهمید. او بردبار و آمرزنده است.»

## ۲-۲- معنویت دینی

عرفان دینی یعنی عرفانی که برآمده از ادیان الهی باشد. عرفانی که نه‌تنها هدف نهایی خود را وصول به خدا یا قرب الهی می‌داند؛ بلکه معتقد است ابزار وصول به این هدف نیز برآمده از دین و یا مطابق با آموزه‌های دینی باشد و یا دست‌کم آن‌که مخالف با آموزه‌های دینی نباشد.

## ۲-۲-۱- شاخص‌های معنویت دینی

در این بخش به اهم شاخص‌های معنویت دینی به‌طور خلاصه پرداخته می‌شود.

### الف) خدامحوری

در عرفان اصیل اسلامی عالم محضر خداست و عارف باید خود را هرلحظه در محضر او ببیند و بنابراین، همه‌ی حرکات، عبادات و سکناش برای خدا و بارنگ خدایی باشد: «صِبْغَةَ اللَّهِ مِنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً». محور این خدایی بودن نیز باید عشق و محبت باشد نه تکلیف و عادت. لقاء و هدایت الهی نیز حاصل عمل صالح و دری از شرک در بندگی است. «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا



يُشْرِكُ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»؛ بگو: من هم مثل شما بشری هستم و به من وحی می‌شود که خدا شما خدایی یگانه است. پس هرکس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته بپردازد و هیچ‌کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد.» و نیز بنا بر فرموده نبی مکرم اسلام: «مَنْ أَصْبَحَ مِنْ أُمَّتِي وَ هِمَّتُهُ غَيْرُ اللَّهِ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ»؛ «هر فردی از امت من اگر اهتمامی غیر از خدا داشته باشد، از خدا بیگانه است.»

در سنت عرفان اسلامی صدق و اخلاص و خدامحوری در سلوک طریقت عرفانی، که از طریق اصول تربیت دینی می‌توان به آن دست یافت از اساسی‌ترین شروط نیل به معنویت و کمال انسانی است. عرفان اسلامی، ماهیتی خدامحور دارد و انسان را به فارغ شدن از خود و توجه به خدا دعوت می‌کند. عارفان مسلمان بر این باورند که همه‌ی شقاوت‌ها و بدبختی‌های آدمی از خودخواهی است و آدمی تا از خود و توجه به خود نرهد، سعادتمند نمی‌شود. اکنون می‌توان گفت با توجه به همین نقطه‌ی افتراق است که از دید عرفان اسلامی نمی‌توان به فرقه‌های پیش‌گفته، عرفان گفت؛ زیرا معرفتی که عارف از آغاز برای آن، پا در مسیر دشوار سلوک می‌گذارد و عرفان را برای آن عرفان می‌نامند، معرفت الله است که ملازم بامعرفت به فقر و کاستی خویشتن است. سالک از خویشتن عبور می‌کند تا به خدا برسد که هر کس خود را به کاستی‌ها شناسد، خداوند را به کمالات خواهد شناخت «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»؛ «هر که خود را شناخت، خدای خویش را شناخته است.» درحالی‌که مقصد و مقصود در فرقه‌های معنویت‌گرایی غیردینی، خود است؛ پس هر حرکتی انجام‌شده و هر گامی برداشته شود، برای خود می‌شود و این نزد عارفان مسلمان، بر تشدید گمراهی و ناپیایی خواهد افزود.

### ب) مطابقت با شریعت

یکی از بزرگ‌ترین خدمات وحی الهی به بشریت در بخش معارف شهودی، ارائه معیاری برای بررسی صحت و وسقم کشفیات و



شهودات عرفانی است. توضیح آن که هرچند علم حضوری و شهودی، علمی معصوم و خطاپذیر است؛ اما این ویژگی فقط مربوط به زمان حضور و شهود بوده، پس از قطع ارتباط با مشهود و معلوم و زمانی که فرد می‌خواهد از مشاهدات و کشفیات خود گزارش دهد و آن‌ها را به تعبیر و تفسیر درآورد، احتمال خطا وجود دارد. در اینجا گرایش‌های بیرونی شخص، فرهنگ و محیط پیرامونی او، اعتقادات و نظام ارزشی او و ده‌ها چیز دیگر، دست‌به‌دست هم می‌دهند و تفسیر فرد از مشاهداتش را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

راه تشخیص صحت و درستی مکاشفات د چیز است: عدم مخالفت با عقل و مطابقت با وحی و کشف معصوم و معتبر؛ یعنی یک مکاشفه در صورتی موردقبول و پذیرش است که اولاً، ضد عقل نباشد و ثانیاً، مورد تعریف معارف و حیانی باشد. به‌عنوان مثال، اگر کسی ادعا کند من در مقام کشف و شهود دیدم که اجتماع نقیضین محال نیست، هرگز نمی‌توان از او پذیرفت؛ چراکه پذیرش آن یعنی نادیده گرفتن معیار انسانیت؛ و یا اگر کسی ادعا کند من در مقام کشف و شهود مشاهده کردم که انسان‌ها نیازی به وحی و پیام آسمانی ندارند، روشن است که نمی‌توان از او پذیرفت؛ زیرا این باورها، باورهای است که با استناد به ادله‌ی عقلی محکم به‌دست آمده‌اند. باورهای فوق عقل زمانی حجیت دارند که مورد تأیید دین و شریعت قرار گیرند؛ و الا امور خرد گریز در عالم فراوان‌اند؛ بنابراین مطابقت با وحی و کشف معصوم یکی از معیارها برای تشخیص عرفان درست از عرفان‌های دروغین و نادرست است. عرفان اصیل اسلامی و عارفان نکته‌سنج و حقیقت‌طلب مسلمان، همواره محصول عرفان و کشف و شهود خود را با داده‌های وحیانی و معارف صحیح عقل می‌سنجیده‌اند و به هیچ قیمتی به خود اجازه نمی‌داده‌اند که به نام عرفان و کشف و شهود، سخنی خلاف وحی و یا ناسازگاری با عقل بر زبان جاری کنند.

### ج) دلایل عرفا بر لزوم پیروی از شریعت

از دلایل عرفا بر لزوم شریعت به موارد زیر اشاره می‌کنیم

**الف. ریاضت:** اساس عرفان، بر سلوک استوار است و سلوک، چیزی جز ریاضت نیست. ریاضت هم جز با اعمال و رفتار تحقق نمی‌یابد. وقتی که سالک باید عمل کند، کدام عمل، بهتر از عمل به شریعت خواهد بود. اعمال شریعت با فطرت و تربیت ما هم پیوند داشته، در ایجاد معنویت و صفای باطن، بیش از کارهای دیگر اثر خواهند داشت. همه بحث‌ها در تاریخ تصوف در این بوده که عرفای اسلام، گاهی بیش از تکالیف شرعی، برنامه عملی برای خود داشتند. آنان علاوه بر انجام واجبات و ترک محرمات و رعایت مستحبات و مکروهات، حتی از مباحات هم پرهیز کرده، کم می‌خواستند، کم می‌خوردند، لباس خشن می‌پوشیدند و امثال این‌ها.

**ب. شوق بندگی:** همه اهل سلوک بر آن‌اند که سالک از همان قدم‌های اول با آثار سلوک آشنا می‌شود. اگرچه هدف نهایی و مقصد و مقصود اصلی اهل سلوک لقاءالله است که در مراحل بعد از فنای ذات تحقق می‌یابد؛ اما عارف سالک در هر قدمی از سلوک نیز به نتیجه مناسب آن قدم دست می‌یابد. همین دریافت نتیجه و مشاهده آثار اعمال، ذوق و شوق بندگی و عمل را در سالک شدت می‌بخشد و او را روزبه‌روز، به عبادت و بندگی راغب‌تر می‌کند تا جایی که عبادت تنها دل‌خوشی او به شمار می‌رود. چنان‌که پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و آله و سلم آرامش و دل‌خوشی خود را در نماز می‌دید «قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ»؛ «نماز نور چشم من است.» و این شوق او تا جایی بود که پاهایش در اثر قیام شبانه، ورم می‌کرد. علی علیه‌السلام وقتی به نماز می‌ایستاد، همه‌چیز، حتی وجود خود را از یاد می‌برد. این‌ها همه محصول اشارات و بشاراتی هستند که از طرف معشوق به آنان می‌رسید.

**ج. شریعت عامل رهایی:** تبعیت از شریعت، ضرورت دارد؛ برای این‌که تنها این تبعیت از شریعت و عمل به دستورات آن پیشگامان است که انسان را با جهان اسرار آشنا می‌سازد. ظهور اسرار غیبی نیز به میزان تبعیت سالک از شریعت خواهد بود.



د) **دنیا‌گریزی:** دنیادستی برای انسان، کاملاً طبیعی است. ما فرزند دنیاییم. از نظر دین و عرفان نیز دنیا مزرعه‌ی آخرت است. چون زندگی دنیوی، اساس تکامل معنوی و سعادت اخروی است، در حقیقت، سعادت ما محصول زندگی دنیوی است؛ اما چرا، این زندگی و این دنیا، این همه در قرآن و حدیث و کلام بزرگان تحقیر شده است؟ تحقیر دنیا، در حقیقت، تحقیر خود دنیا نیست، تحقیر نوعی رابطه‌ی انسان با دنیاست. انسان می‌تواند با دنیا دوگونه رابطه داشته باشد: یکی رابطه‌ی شیفتگی است، به‌گونه‌ای که همه‌ی آرزو و هدفش همین دنیا باشد و بس و دیگری رابطه‌ای که بهره‌برداری از دنیا را در جهت تأمین سعادت و کمال روحی و اخروی تنظیم کند؛ بنابراین، دنیا بر اساس این دو رابطه، به عنصر زیان‌آور یا سودمند تبدیل می‌گردد. در اینجا از نکته مهمی نباید غفلت کرد و آن این‌که اکثریت نزدیک به همگان از مردم، رابطه‌شان با دنیا، از گونه‌ی اول است؛ چراکه اولاً، چنان‌که گذشت، انسان فرزند دنیاست. طبیعی است که به آن وابستگی و دل‌بستگی جدی داشته باشد؛ ثانیاً، لذت‌های دنیا، در دسترس بوده و به‌اصطلاح نقدند؛ ثالثاً، دنیا و لذت‌های آن برای انسان یک حقیقت عینی است که با حواس او قابل‌درک بوده و مستقیماً مورد تجربه‌ی او قرار می‌گیرد؛ و ازاین‌روی، انسان برای تبدیل این رابطه، به رابطه‌ای از نوع دم، نیازمند هوشیاری و هدایت و تربیت دینی است. هدف بعث انبیاء علیهم‌السلام و تلاش امامان و اولیاء و مشایخ، چیزی جز این کار، یعنی تبدیل رابطه‌ی نوع اول به نوع دم نیست. نکته‌ی دیگر این‌که در برخی از مکتب‌های عرفانی، این تبدیل با حذف رابطه‌ی نوع اول انجام می‌پذیرد؛ اما در اسلام این تبدیل با تعدیل رابطه‌ی نوع اول انجام می‌پذیرد؛ یعنی اسلام از ما نمی‌خواهد که رابطه‌مان را با دنیا قطع می‌کنیم، بلکه می‌خواهد که این رابطه‌ی تعدیل و تنظیم شده به‌گونه‌ای باشد که در جهت سعادت اخروی قرار گیرد. دنیا را ترک نکنیم، بلکه از آن برای خود بهره بگیریم.

بنابراین، هدف اسلام از تحقیر و طرد دنیا، تنها آن است که

انسان آن را هدف نهایی خود قرار نداده و از تدارک اسباب سعادت اخروی و کمالات معنوی غفلت نکند. آیات و روایات در نكوهش دنیا و دنیادستی فراوان است. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: «حُب الدنیا رَأْسُ كُلِّ حَاطِيئَةٍ»؛ «محبت دنیا، اساس همه-ی گناهکاری‌هاست.»

### ه) عدم مخالفت با عقل

یکی از باورها در برخی عرفان‌ها عدم اعتبار و حجیت عقل است. آن‌ها می‌پندارند که بین عرفان و عقل ناسازگاری وجود دارد. عرفای راستین گفته‌اند عرفان فوق عقل است، نه اینکه ضد عقل باشد. آن‌ها ارزش عقل را انکار نکرده‌اند، بلکه به محدودیت آن توجه داده‌اند. غرض آن‌ها این است که راه دیگری برتر از عقل وجود دارد که همان شهود و کشف بی‌واسطه‌ی حقایق است که از راه تهذیب نفس و عشق به خدا حاصل می‌شود؛ نه اینکه عقل، باطل و بی‌اعتبار است. عقل نه فقط معتبر است، بلکه بسیار اهمیت دارد و نمی‌توان بدن عقل در معرفت گامی برداشت؛ اما برخی توهم کرده‌اند که عقل از اساس باطل و مزاحم است و باید آن را نادیده گرفت. این توهمی بیش نیست و خلاف تعالیم قرآنی و روایی ماست که به عقل جایگاه رفیعی می‌دهد.

همچنین عرفان عملی مطلوب شیعی در چارچوب عقل و شرع شکل می‌گیرد و عارف می‌کوشد در برنامه‌ی سلوکی‌اش از مرزهای عقل و شرع خارج نشود. عرفان بعدی از دین است و دین مبتنی بر عقل و سازگار با آن. هیچ مدعای عرفانی نمی‌تواند ناقض قوانین عقل باشد، چنان‌که هیچ آموزه‌ی عرفانی نمی‌تواند ناسازگار با دین باشد. چنان‌که در بخش اعتقادی، عقل و شرع مبنا و ملاک هستند، در بعد سلوکی و رفتاری نیز عقل و شرع مبنا و ملاک‌اند. چون عارف با نور عقل و شرع حرکت می‌کند و هم از بدعت و هم از افراط و تفریط مصون می‌ماند. بنابراین، عرفان اصیل عرفانی دینی است؛ نه چیزی بر دین می‌افزاید، نه چیزی از دین می‌کاهد و نه چیزی از



دین را تغییر می‌دهد. در مقابل، عرفان کاذب یا ناقص یا شبه عرفان، یا چیزی از دین می‌کاهد، یا چیزی بر دین می‌افزاید و یا چیزی از دین را تغییر می‌دهد.

### (و) معاد باوری

معاد، بازگشت انسان به خدا و آغاز حیاتی از نوع دیگر است. آموزه‌ی معاد تأکید بر نامیرایی و جاودانه بودن انسان است. معاد اسلامی، نه زوال فردیت است و نه تناسخ؛ بلکه بقای نفوس فردی است آن‌گونه که در شریعت آمده است. نجات و هلاک و نیک‌بختی و شوربختی انسان در قیامت آشکار می‌شود. سعادت و شقاوت و میزان آن در هر فرد، تابع باورها، نیت و اعمال اوست. انسان با اختیارش سرشت و سرنوشت خود را رقم می‌زند. هر کس به مقدار ذره‌ای نیکی کند می‌بیند و هر کس به مقدار ذره‌ای بدی کند می‌بیند. «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ»؛ «پس هر که هم‌وزن ذره‌ای نیکی کند آن را خواهد دید»؛ «وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»؛ «و هر کس هم‌وزن ذره‌ای بدی کند آن را خواهد دید». قیامت برای سعادت‌مندان، لقای اسم لطف خداست و برای اشقیاء، لقای اسم قهر خداست. سعادت در بهشت از نعمت‌های الهی بهره‌مند می‌شوند؛ اما بهشت اولیای خدا رضوان الهی است که برتر از هر نعمتی است.

یکی از ارکان دین‌داری و عرفان اصیل، اعتقاد به معاد است. دین و عرفان بدن معاد، بی‌معناست، «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»؛ «آیا پنداشتید که شما را بی‌هوده آفریده‌ایم و اینکه شما به‌سوی ما باز گردانیده نمی‌شود؟» شکل‌های مختلفی از عرفان نماهای بدن اعتقاد به معاد نیز یافت می‌شود. مکتب‌هایی که قائل به تناسخ هستند و معتقدند که روح پس از مرگ وارد بدن دیگری می‌شود نیز از این دسته‌اند. به پندار آن‌ها خود این حیات جهانی تکرار می‌شود و در چرخه‌های مختلفی که در تاریخ پیش می‌آید، سیر می‌کند. متأسفانه یکی از فرقه‌های منحرف مدعی تصوف اسلامی، در زمان ما نیز چنین چیزی را ترویج می‌کند. این عقیده برگرفته از

برخی ادیان شرقی، مثل هندئیسم است.

ز) آرامش درونی: تشویش و اضطراب، محصول شکست و نومیدی است و آدمی همیشه در گریز از آن بوده و در پی رسیدن به آرامش است، البته زمانی آرامش حاصل می‌شود که امید پدید آمده باشد. عرفان دینی آدمی را به توکل بر خدا و اعتماد به او فرامی‌خواند و یکتا امید را که هرگز به نومیدی نمی‌انجامد، در امید واقعی به خدا می‌داند. یاد خدا، چنان امید را در دل ذاکران پدید می‌آورد که تشویش را از وجودشان زده و ریشه‌کن می‌سازد؛ از این رو، در فرهنگ عرفانی دینی، آرامش واقعی در سایه‌ی ذکر خدا حاصل می‌شود؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ «هان! فقط به یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.»

عرفان دینی، اضطراب و تشویش را معلول غفلت از خدا و توجه به دنیا می‌داند. دنیا با چهره‌های جذابی که بر آدمی عرضه می‌کند، هر دم دل را به سوی فرامی‌خواند و همین دعوت‌های گوناگون و مطلوب‌های ناپایدار است که تشویش می‌زاید و آرامش از دل می‌زاید. با قطع تعلق از چهره‌های دنیا و روی کردن به حرم امن الهی است که دل آرام می‌گیرد. آرامشی که از یاد خدا حاصل می‌شود، چنان مستحکم و ماندگار است که انسان را در بحران‌های گوناگون زندگی حفظ می‌کند؛ چنان‌که در وصف قطب عارفان، امیر مؤمنان علی علیه السلام آمده است: «الْمُؤْمِنُ كَالْجَبَلِ الرَّاسِخِ لَا تُحَرِّكُهُ الْعَوَاصِفُ»؛ «او همچون کوهی استوار بود که طوفان‌ها او را مضطرب نمی‌کرد.»

### ۳- مقابله با معنویت‌های سکولار

برای مقابله با معنویت‌های سکولار راهکارهایی ارائه شده است که می‌توان آن‌ها را در قالب رده‌های علمی ارائه داد اما در اینجا به جهت اختصار از این قالب صرف‌نظر شده است و به اهم راهکارها از دید نگارنده پرداخته می‌شود.

### الف) پایبندی به شریعت اسلامی

شریعت اصطلاحی است که بیش‌تر به معنای دین به کار می‌رود



و عبارت است از همان راهی که خداوند به واسطه پیامبران بر بندگان خویش گشوده و اعتقادات و احکام و اخلاقیات دین را در برمی‌گیرد. عرفا از شریعت کنار طریقت و حقیقت یاد کرده‌اند و مراد آنان احکام ظاهری و عملی اسلام است. اهل عرفان، پایبندی به شریعت را شرط راه یافتن به طریقت و حقیقت دانسته‌اند. آنان دین را دارای ظاهر و باطنی می‌دانند. ظاهر دین را شریعت و باطن آن را حقیقت و راه دستیابی به حقیقت را که توحید است. طریقت گویند؛ و در این تقسیم‌بندی به حدیث پیامبر ﷺ استناد کرده که می‌فرماید: «الشَّرِيعَةُ أَقْوَالِي وَ الطَّرِيقَةُ أَعْمَالِي وَ الْحَقِيقَةُ أَحْوَالِي»؛ «شریعت سخنان من است و طریقت کردار من و حقیقت احوال من است.»

از نظر متون دینی، تنها راه رسیدن به سعادت، عمل به شریعت و احکام اسلامی است. به‌عنوان مثال یکی از بهترین دستورالعمل‌ها برای سعادت‌مندی که جایگاه بسیار مهمی در شریعت اسلام دارد نماز است عبادتی که با هیچ عمل دیگری قابل‌مقایسه نبوده و هیچ عملی نمی‌تواند جایگزین آن شود و اثرات تربیتی بسیاری در زندگی فردی و اجتماعی دارد. امام باقر علیه السلام: «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ»؛ «نماز ستون دین است.» امام باقر علیه السلام: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ، فَإِنْ قَبِلَتْ قَبْلَ مَا سِوَاهَا»؛ «نخستین چیزی که بنده برای آن حسابرسی می‌شود نماز است؛ اگر پذیرفته شد سایر اعمالش هم پذیرفته می‌شود.»

همه‌ی دستورات الهی همین‌گونه است و در راستای رستگاری انسان‌ها می‌باشد برخلاف برنامه‌های فرقه‌ها که نفسانی است. از این رو امروز می‌طلبند مسئولین فرهنگی و همه نهادهای فرهنگی در برابر همه‌ی شریعت، ابزار بهتر پیاده شدن اعمال عبادی، همچون نماز، در همه مراکز دلتی و در فضاهای عموم را به بهترین شکل ایجاد نمایند. امروز دستورالعمل‌ها و برنامه‌های فرقه‌های نوظهور جز نابودی سعادت انسان، چیز دیگری نیست و باید کوشید تا آگاهی مخاطبان را نسبت به برنامه‌های الهی دوچندان نمود.

**ب) تثبیت هویت معنوی از منظر اسلام**

از منظر قرآن کریم، همه‌ی انسان‌ها سالک الی الله‌اند و به‌سوی او در حرکت و تکاپو هستند: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ»؛ «ای انسان! حقا که تو به‌سوی پروردگار خود به‌سختی در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد.» کسانی که به این حرکت توجّه دارند و مراقب مقتضیات و لوازم آن هستند، بینا و شکوفا به حضور خداوند رسیده، زندگی و هستی خود را در ربط با او و سرشار از سرور و آرامش و عشق و روشنائی تجربه می‌کنند، اما آنان که از این حقیقت غافل‌اند، سرانجامی جز کوری و تباهی و محرومیت از مشاهده‌ی حسن و لطف و زیبایی و شکوه احدی نخواهند داشت.

بنابراین، ضروری‌ترین، سهل‌ترین، طبیعی‌ترین و عمومی‌ترین پدیده‌ی انسانی، عرفان و سیر سلوک الی الله است. هر انسانی باید خود را سالک الی الله بداند و به لوازم آن که هماهنگ و متناسب با فطرت است، ملتزم شود. تحصیل این تصوّر از خویش و شکل‌گیری این هویت، برای همه لازم و بدیهی است. قرآن چنین دیدگاهی نسبت به انسان دارد. اگر این دیدگاه به مردم منتقل شود و آنان عرفان اسلامی را با این رخساره بشناسند، از آن رانده و رمیده نشده و به عرفان‌های ضعیف و حقیر پناهنده نمی‌شوند، بلکه تمام هستی و حیات خود را در معنویت قرآنی جستجو خواهند کرد. معنویت، از منظر قرآن کریم، چنان با جان و هستی آدمی آمیخته است که غفلت از آن و خدا فراموشی به خود فراموشی گره‌خورده و انسان با نسیان حق خود را از یاد برده و از دست می‌دهد.

### ج) هدایت بعد احساسی بشر در مسیر صحیح خود

خانواده سنگ بنای ساختمان بشریت و بهترین جایگاه برای رشد و شکوفایی استعدادها و کانون انس و مهربانی است. تحولات صنعتی و پیشرفت‌های اطلاع‌رسانی، شرایط جدیدی را برای جهان به وجود آورده است به‌گونه‌ای که بسیاری از معیارها و ضوابط ارزش‌های گذشته را تحت‌الشعاع قرار داده است. فرهنگ دینی خانواده در میان این تحولات در معرض شدیدترین حمله‌ها قرار گرفته است. این تغییرات در





کشورهای اروپائی به سرعت رو به افزایش می‌باشد.

اما در برابر این رفتارها، آموزه‌های دین مبین اسلام در خصوص رفتار اعضای خانواده نسبت به یکدیگر ستودنی است. در کنار توصیه‌های اعتقادی و مانند آن، آموزه‌های رفتاری، راهکارهای مناسب را برای رشد باورهای دینی به انسان ارائه می‌دهد که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود.

آموزه‌های گفتاری: روابط گفتاری و کلامی در ایجاد ارتباط اصولی نقش بسیار خوبی ایفا می‌کند. بدیهی است در شیوهی ارتباط با کودک، نوجوان، جوان، زن و مرد تفاوت‌های آشکاری دیده می‌شود. درباره‌ی کودکان فراهم نمودن زمینه‌های گفتگو در رشد و بلندی آن‌ها تأثیر مهمی دارد. اگر این شرایط به‌خوبی به وجود نیاید ممکن است سرکوبی عواطف و عدم رشد روحی و روانی فرزندان را موجب گردد. در مورد نوجوانان و جوانان درک شرایط سن آن‌ها از طریق ارتباط کلامی بسیار تأثیرگذار می‌باشد، امروزه از اشکالات اساسی در خانواده‌ها عدم درک موقعیت سن نوجوانان می‌باشد. این عدم درک موقعیت سن در ارتباط کلامی هم تأثیر منفی خود را نشان داده است. امروزه و در شرایطی که نوک تیز حملات دشمن متوجه جوانان و نوجوانان می‌باشد، می‌طلبند پدران و مادران در بهتر ارتباط برقرار نمودن با آن‌ها بیشتر جدیت نمایند که اگر این مهم انجام نگیرد آن وقت این نسل سوم و چهارم انقلاب به سراغ پارتی‌ها و محافل آن‌چنانی خواهند رفت و با هدایت پنهانی فضاهای مجازی جذب فرقه‌های انحرافی می‌شوند. جالب است بدانیم که در سیره‌ی معصومین در خصوص گفتگو و ارتباط اعضای خانواده و کیفیت آن بسیار سفارش شده است. این که اعضای خانواده علاقه خود را نسبت به یکدیگر با کلام و گفتار اظهار کنند.

بکوشیم موانع برقراری ارتباط کلامی را برطرف نماییم. متأسفانه بیشتر خانواده‌ها با ادبیات ارتباط با جوان آشنا نیستند. باید به سراغ ادبیات مناسب با سطح جوان و جوانان رفت. باید جدال و بگومگو،

پرگویی، نق زدن، تمسخر نمودن، توهین و تهدید کردن و ... کنار گذاشته شود و با مهرورزی، تفاهم، بزرگواری و اغماض زمینه جذب آنان را بیشتر نمود.

آموزه‌های غیرکلامی: در روابط غیرکلامی، افراد با عملکرد خود به تعامل با اعضای خانواده می‌پردازند. حالات چهره مانند گشادگی یا گرفتگی، حرکات بدن مانند تماس‌های بدنی و چشمی یا طرز قرار گرفتن در مقابل هم، فاصله از یکدیگر و ... از این نوع می‌باشد. آهنگ صدا نیز جز روابط غیرکلامی است. آموزه‌های دینی درباره‌ی روابط غیرکلامی اعضای خانواده نکات جالبی دارد که بخشی از آن به حسن خلق برمی‌گردد. در این رابطه چقدر سفارش شده است که با اعضای خانواده با چهره‌ی گشاده و روی باز دیدار کنیم چراکه روی باز دل‌ها را جذب می‌کنند. این گشاده‌روئی‌ها جوان و نوجوان خانه را دلگرم نموده و زمینه‌های اقبال به جلسات آن‌چنانی را در بین آن‌ها از بین می‌برد. این امر مهم در خصوص همه‌ی اعضای خانواده نسبت به یکدیگر مطرح می‌شود. پای صحبت اعضای خانواده نشستن و آن‌ها را درک کردن بسیار تأثیرگذار می‌باشد. در خصوص حضور در خانواده و همراهی با آنان پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ اِعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا»؛ «نشستن مرد نزد خانواده‌اش نزد خدا محبوب‌تر از اعتکاف کردن در مسجد من است.»

یکی از مشکلات عمده‌ی زندگی صنعتی امروز، حضور نیافتن به‌موقع مردان و زنان در خانه است به‌گونه‌ای که این دیر آمدن گاه تا خوابیدن فرزندان به طول می‌انجامد. طبیعی است استمرار این حرکت روابط عاطفی بین پدر و مادر با اعضای دیگر خانواده را از بین می‌برد و آرام‌آرام بر خروج اعضا از خانه و رفتن در کانون‌های دیگر مهر تأیید می‌زند.

باری امروز خانواده‌ها و پدر و مادر فرزندان به این نکته باید توجه داشته باشند که فرزندان ما برای قرن ۲۱ تربیت می‌شوند، قرنی که



به مراتب فضاهای مجازی، تصاویر بیشتری را در دید مردم قرار می‌دهد و هر روز تعداد بیشتری بر کاربران این فضاهای مجازی افزوده می‌شود. باید اولیاء ضمن توجه به شرایط زمانی و مکانی، فرزندان خود را هوشیار بار بیاورند. بی‌شک وظیفه اصلی اولیاء و پدر و مادر فرزندان، این است که مراقب غذای فکری فرزندان خود باشند و ضمن بیداری و آگاهی دادن درباره فرقه‌های انحرافی که ترفند جدید بیگانگان برای انحراف جوانان و نوجوانان می‌باشد از طریق ارتباط صمیمی و نزدیک با آنان راه نفوذ ترفندهای بیگانگان را بر افکار و قلوب جوانان ببندند؛ و سرانجام این‌که راه‌کار عملی راقم این سطور در این مورد افشاگری و ایجاد حساسیت در میان افراد و خانواده‌هاست. اگر خانواده‌ها از تبعات وابستگی و گرایش به این فرقه‌ها نسبت به فرزندان خود آگاه شوند هرگز بی‌تفاوت نخواهند بود.

#### د) معرفی الگوهای دینی

یکی از راه‌های تقویت معنویت دینی معرفی الگوهای دینی است که باعث پایبندی بیشتر آحاد مردم به ارزش‌ها و فضائل اخلاقی است. از اصول روان‌شناسی تربیتی که در مسائل تربیتی و آموزشی کاربرد فراوان دارد اصل محاکات است. بر اساس این اصل انسان‌ها تمایل دارند به دیگران شبیه شده و از آنان تقلید نمایند؛ تقلید از اسوه‌های شایسته سبب می‌شود که به تدریج زمینه‌های پرهیز از رفتارهای زشت در افراد به وجود آید و از رذایل اخلاقی فاصله بگیرند. قرآن کریم در موارد بسیاری بر این روش پسندیده تأکید کرده و از این رویه در جهت تأثیرگذاری استفاده نموده است. ذکر داستان‌های پیامبران و زنانی همچون آسیه و مریم همگی در همین مسیر معرفی الگو بوده است. اگر ما به معرفی الگوهایی چون معصومان علیهم‌السلام بپردازیم و این الگوها را در زندگی سرمشق خود قرار دهیم الگوهای دروغین نمی‌توانند جوانان و نوجوانان ما را منحرف نمایند.

متأسفانه بسیاری از افراد که جذب فرقه‌های انحرافی شده و به محافل آن‌ها راه یافته‌اند به جهت پیروی از الگوهای کاذب و منفی



این فرقه‌ها بوده است که از طریق فضاهای مجازی آنان را مطرح کرده‌اند. همچنین در مواردی برخی از اعضای این فرقه‌ها، دستان ناآگاه خود را از طریق تبلیغ کاذب که فلان هنرپیشه یا بازیگر یا ورزشکار هم در این فرقه فعالیت دارد، به انحراف کشانده و به عضویت فرقه درآورده‌اند. امروزه تبلیغ عملی از کارسازترین شیوه‌های تبلیغی در سازندگی فرد و جامعه است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»؛ «چه کسی گفتارش بهتر است از آن‌که دعوت به خدا کند و عمل صالح انجام دهد.»

متصدیان، مربیان، کارگزاران، عالمان و همه دست‌اندرکاران فرهنگی اگر بخواهند تأثیرگذار باشند باید عامل به سخنان خود باشند. از اموری که امروز روند تربیت دینی و رشد باورهای دینی را کند نموده و آسیب‌های فراوانی را متوجه جامعه‌ی دینی نموده، ناهماهنگی بین سخنان و اعمال برخی از مربیان دینی است. شهید مطهری در این باره می‌فرماید: «هیچ چیز بشر را بیشتر از عمل تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. شما می‌بینید مردم از انبیاء و اولیاء زیاد پیروی می‌کنند ولی از حکما و فلاسفه آن قدرها پیروی نمی‌کنند چرا؟ برای این که فلاسفه فقط می‌گویند، فقط مکتب دارند، فقط تئوری می‌دهند، اما در گوشه حجره‌اش نشسته است پی‌درپی کتاب می‌نویسد و تحویل مردم می‌دهد. ولی انبیاء و اولیاء تنها تئوری و فرضیه ندارند عمل هم دارند، آنچه می‌گویند اول عمل می‌کنند... آن گفته اثرش چندین برابر است!»

یکی از راه‌های مصون‌سازی (تقویت معنویت)، معرفی الگوهای موفق دینی است و قسمت اعظم این امر خطیر بر دوش مسئولان فرهنگی کشور است.

پس از پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت بزرگوارشان علیهم‌السلام که برترین سالکان و عارفان الهی بوده و می‌توانند برای همیشه سرمشق و الگوی بشریت باشند، همواره گروندگان و عرفایی بوده‌اند که به



این حجت الهی تمسک کرده و با گام برداشتن در مسیر حق و حقیقت به درجات والایی از معرفت رسیدند. مانند محمدتقی مجلسی، شیخ جعفر کاشف الغطاء، شیخ مرتضی انصاری، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، امام خمینی، علامه حسن‌زاده آملی و ... .

**ه) تقویت بعد اجتماعی معنویت:** مسئله‌ی دیگر این است که معنویت و عرفان در فرهنگ ما به‌نوعی رازنگفته تبدیل‌شده و همین موضوع سبب حبس و مانع ترویج و گسترش آن بوده است. این در حالی است که با جریان بخشیدن به معنویت آن را در درون خود پویا و بالنده می‌سازیم و در صورت حبس به رکود و فرسایش آن دامن می‌زنیم. اگر افراد معنوی و شخصیت‌های بارز در این وادی به‌راحتی از آن صحبت کنند و مردمان را نامحرم ندانند، قلب‌های خفته بیدار شده و رانده‌شدگان و گم‌گشتگان، راه می‌یابند و بازمی‌گردند.

چرا باید بزرگانی نظیر حضرت آیت‌الله شاه‌آبادی که عرفان را بر سر منبر مسجد و بازار فریاد می‌زدند بی‌نظیر باشند؟ اگر اساتید و استوانه‌های عرفان رویکردی اجتماعی اتخاذ کنند، از میان شاگردانشان هم کسانی برمی‌آیند که ترانه‌ی عرفان را در دنیا طنین‌اندازند و انقلاب‌های بزرگ معنوی و اجتماعی را بر شالوده‌ی عرفان و معنویت بنیان‌گذارند. اگر بنای ما براین نبود که عرفان و معنویت را مستور و محبوس نگه‌داریم، عرفان اسلامی این‌طور مهجور نمی‌شد که حکمت‌های مثنوی با آمیزه‌ای از عشق مسیحی و سحر کابالایی در قالب رمان و قلم نویسنده‌ای معلوم‌الحال فرهنگ ما را درنوردد و کیمیاگر دل‌های معنویت جو شود. اگر فطرت‌های مردمان را تبدیل‌ناپذیر و زنده می‌دانستیم، متون و تعالیم عرفانی زبانی چنین پیچیده و دشوار پیدا نمی‌کرد و ادبیات عرفانی سرشاری که قرن‌ها پیش، از آن برخوردار بودیم و امروز جهان به آن فخر می‌کند و از آن بهره می‌برد، از دست نمی‌رفت.

**و) روشنگری پیرامون فرقه‌های انحرافی:** صاحبان بصیرت همواره می‌کوشند مسیر تکامل و تعالی خود را بر اساس فکر، آگاهی، بینش

و تحلیل انتخاب نمایند. این آگاهی و بصیرت کمک می‌کند تا انسان بتواند در برابر چالش‌ها و موانع ایستادگی بیشتری از خود نشان دهد و به راحتی تحت تأثیر القائات شیطانی قرار نگیرند. متأسفانه ضعف آگاهی و شناخت در بعضی از جوانان، نسبت به شناسایی دشمنان زمینه انحراف را دچندان می‌کند.

شناسایی دشمن اگر دقیق و جامع باشد بهتر می‌توان بر مکر و حيله‌های آن فائق آمد. امام خمینی می‌فرمود: «بزرگ‌ترین ساده‌اندیشی این است که تصور کنیم جهان خواران خصوصاً آمریکا و شوروی از ما و اسلام عزیز دست برداشته‌اند لحظه‌ای نباید از کید دشمنان غافل بمانیم، در نهاد و سرشت آمریکا و شوروی، کینه و دشمنی با اسلام ناب محمدی صلی‌الله علیه و آله وسلم موج می‌زند. باید برای شکستن امواج طوفان‌ها و فتنه‌ها و جلوگیری از سیل آفت‌ها به سلاح پولادین صبر و ایمان مسلح شویم.»

مقام معظم رهبری نیز در این باره می‌فرماید: «فرهنگ غرب، فرهنگ برنامه‌ریزی برای فساد انسان است، فرهنگ دشمنی و بغض با ارزش‌ها و درخشندگی‌ها و فضیلت‌های انسانی است، فرهنگی است که همچون ابزار در اختیار خداوندان زور و زر و امپراتوران قدرت است، با این فرهنگ درصند نسل بنی‌آدم را از همه فضایل انسانی تهیدست کنند و انسان‌ها را به موجودات فاسد و مطیع و تسلیم و غافل از یاد خدا و معنویت تبدیل کنند. این فرهنگ، برهنگی و اختلاط و امتزاج بی‌قیدشرط زن و مرد باهم است که یکی از پایه‌های اصلی فرهنگ غربی می‌باشد و از روز اول برای فساد انسان‌ها و خروج انسانیت از دایره‌ی فضایل انسانی بنیان‌گذاری شد.»

شایسته است بیداری ملت به‌ویژه جوانان به مراتب نسبت به گذشته دقیق‌تر و جامع‌تر باشد. هدایت تمام نقشه‌ها و ترفندها بخصوص فرقه‌سازی‌ها امروز به دست شبکه‌های صهیونیستی است که بر تمام عالم احاطه دارند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «اشتباه است که اگر کسی تصور کند که در این قضایا



فقط کسی یا نویسنده مزدوری مثل سلمان رشدی یا کاریکاتوریست قلم به مزدی مثل آنچه در برخی از کشورهای اروپائی انجام دادند. طرف مقابل اسلام است این‌ها پیاده‌نظام‌های نگون‌بخت و روسیاه استکبار جهانی هستند. طرف قضیه سیاست‌هاست؛ طرف قضیه، اعضای شبکه‌ی استعماری و استکباری دنیا هستند، یعنی شبکه صهیونیست‌های غدار و خون‌خوار و سیاست‌مداران که تحت نفوذ آن‌ها قرار دارند». از جمله راهکارهای دیگری که می‌توان به‌اختصار به آن‌ها اشاره کرد موارد ذیل می‌باشد:

- اهتمام جدی به مطالعات پژوهشی در حوزه‌ی عرفان‌های نوپدید.
- اهتمام مدیران اجرایی به استفاده از کارشناسان توانمند و پژوهشگر.
- تبیین طریقتی با توجه به نیازهای معنوی انسان معاصر و با سرچشمه گرفتن از مفاهیم بلند دینی و عرفانی اسلام.
- آشنایی عمیق‌تر و همدلانه‌تر با انسان مدرن و دغدغه‌هایش.
- تبادل فرهنگی صحیح با اقوام و ادیان جهان.
- نقدپذیری در آموزه‌های دینی (منظور متون مقدس نیست) و خردگرایی.
- توجه و تأکید بیشتر به یافتن مشترکات ادیان به‌جای تأکید بر نقد افتراقات آن‌ها.
- گفت‌وگوی صحیح میان ادیان با توجه به تأکید قرآن بر «وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است مجادله نما». در جهت شناخت بهتر مردم از ادیان دیگر و کشف برتری-های دین مبین اسلام در فضایی کاملاً عقلایی و اختیاری.
- تقویت رسانه‌های عمومی از دید فرم و محتوا.

## نتیجه گیری:

هدف معنویت‌های سکولار، لذت، شادی نفس، آرامش نفس می‌باشد. عدم



تصویر روشن از خدا و نگاه تک بعدی به انسان و مخالفت با اسلام و دارای مدعیات بی‌اساس نیز از اصول این معنویت‌ها می‌باشد.

معنویت دینی مبتنی بر تربیت اسلامی، معنویت اصیل و جامع و کارآمد است که دارای ویژگی‌های مطابق با شریعت و عقل می‌باشد. نگاه همه جانبه به بشر و شکوفا کردن استعدادهای انسان و عدم غفلت در بخش‌های مهم زندگی انسان نیز از اصول معنویت دینی است. تاثیر مهم و عمیق بر تربیت دینی و پرکردن خلاءهای معنوی آنان در مسیر صحیح که در نهایت منجر به ایجاد جامعه ای سالم خواهد شد از مهمترین اهداف معنویت دینی می‌باشد.





\* نهج البلاغه

۱. آقائوری، علی، عرفان مسلمان و شریعت اسلام، چاپ اول، تهران، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۷.
۲. آملی، سید حیدر، اسرار الشریعه و اطوار الطریقه، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۱.
۳. احسان‌بخش، صادق، آثارالصادقین، ج ۱۵، رشت، ستاد برگزاری نماز جمعه، ۱۳۷۱.
۴. توکلی، محمد، گلبرگ امین، ج ۴، چاپ دم، تهران، نگین سبز، ۱۳۸۸.
۵. خسروپناه، عبدالحسین، کلام نوین اسلامی، ج ۳، چاپ اول، قم، انتشارات تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۹۲.
۶. شریف‌زاده، بهمن؛ غلامرضا، مجید، آشنایی با عرفان‌های کاذب به‌ضمیمه فرق ضاله، چاپ اول، تهران، سازمان بسیج مهندسیین مدیریت آموزش و منابع انسانی، ۱۳۸۸.
۷. شریفی، احمد حسین، درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب، چاپ اول، تهران، صهبای یقین، ۱۳۸۷.
۸. فنائی اشکوری، محمد، شاخصه‌های عرفان ناب شیعی، چاپ اول، قم، حکمت اسلامی، ۱۳۹۴.
۹. فیض کاشانی، محسن، محبه البیضاء، ج ۵، چاپ اول، قم، نشر اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۰. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۳۶۲.
۱۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۴، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۳۶۲.
۱۲. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۶، ترجمه حمیدرضا شیخی، چاپ نهم، قم، دارالحديث، ۱۳۸۷.
۱۳. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، ج ۲۱، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴.
۱۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۷، چاپ دازدهم، تهران، صدرا، ۱۳۸۷.
۱۵. نارویی نصرتی، رحیم، معنویت همزاد و همگام انسان نگاهی دینی - روان‌شناختی، معرفت، شماره ۸۷، ص ۱۳۸۳.
۱۶. نگارش، حمید، فرقه‌های نوظهور، چاپ، قم، زمزم هدایت، ۱۳۹۰.
۱۷. یثربی، سید یحیی، عرفان و شریعت، چاپ اول، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۶.
۱۸. وکیلی، هادی، آسیب‌شناسی معنویت‌گرایی نوپدید در ایران، کتاب نقد، شماره ۴۵،

صص ۳-۱۶، ۱۳۸۶.

۱۹. <http://hrmazaheri.ir/index.php/DBA/۳۴-۵۴-۲۳-۲۶-۰۹-۱۳۸۸-۳۸>

۲۰. <http://rasekhood.net/article/show/۶۷۷۳۴۳>

۲۱. <http://shiaudies.net/article/farsi/Article.php?id=۱۸۰۶۱>

۲۲. <http://dafarmags.ir/Journal/Text/Akhlagh/Article/index.aspx?JournalNumber=۱۳&ArticleNumber=۲۶۹۱۸>

